

## نهضت آینده افغانستان و سه چپ معاصر

در این روزگاران که محمل‌های اجتماعی برای حمل آرمان‌های دیرینه انسان زحمتکش در کوره راه‌های تاریخ سرگردان اند و شکست‌های سده گذشته، همراه با یورش ایدیالوژیک سرمایه داری یکه تاز، حتی حقانیت این آرمانها را زیر پرسش برده اند، گشادن راهی برای تشکل جنبش چپ نوین افغانی اگر ناممکن پنداشته نشود، به یقین، بسیار دشوار و حتی ماجراجویانه تلقی میشود.

نگاهی شتابنده بر وضعیت معنوی امروز جوامع بشر نشان میدهد که پس از فروپاشیدن سیطره ارتجاع قرون وسطایی در اروپا، این نخستین بار است که **ارتجاعی ترین نیروها و تاریک ترین اندیشه ها** در مقیاس جهانی فرمانروایی میکنند. سرمایه داری به حیث فاتح بی رقیب، تمام امکانهای فنی و مالی را در اختیار ایدیالوژی نیولیبرالیستی خود قرار داده است تا ذهنیتها را از عبث بودن هرگونه اقدام مقاومتجویانه در برابر گسترش سرمایه و دستگاههای فرتوت اندیشه یی حاکم بر جوامع جهان سوم انباشته سازد. این ایدیالوژی بی مفهوم بودن «راست» و «چپ» را همه روزه روی سفره معنوی – اندیشه یی آدمهای ساده دل میگذارد. «پایان تاریخ» (یعنی ناممکن بودن هرگونه دگرگونی اجتماعی در مقیاس بشر) و «تفکر واحد» (یعنی همان نحوه نگرش ایدیالوژی سرمایه) به حیث نوترین مقوله های «جهان آزاد» (!) به خورد زحمتکشان داده میشوند. در چنین وضعیت سیاسی – اندیشه ییست که ما با راه اندازی «نهضت آینده» که – به گونه طبیعی – مبارزات خلق افغانستان به خاطر رهایی از چنبره ستمهای عدیده را با یک بینش جدید و با یک پراتیک سیاسی – اجتماعی غنا یافته از تجارب، دنبال میکند، در واقع، در برابر مفهوم «ختم تاریخ» سرمایه سالاران پاسخی ارایه کردیم که عملاً تاریخ را هنوز باز تلقی میکند و آینده را یک امر ساخته شدنی و ممکن میپندارد، نی یک امر ساخته شده و مسدود!

از سوی دیگر تعیین تاریخی (دیترمینیزم تاریخی) که پیروزی پرولتاریا را یک امر محتوم می‌شمرد، دیگر به گذشته تعلق دارد. از دیدگاه نهضت آینده، پیروزی زحمتکشان در جهان یک امر ممکن است. این پیروزی را نباید به «انقلاب جهانی» و یا دمیدن سپیده دمان تاریخ نوین بشر محول کرد، بل، باید آن را همه روزه، گام به گام و وجب به وجب در زنده گی مشخص اجتماعی، اقتصادی و معنوی به دست آورد و مواضع دنیای کار را پیوسته تحکیم بخشید.

مخالفان سیاسی و شماری از هم‌رهان دیروزین هنوز هم درباره سرشت سیاسی - اندیشه‌ی «نهضت آینده» نا آگاهانه - یا هدفمند - برچسپهایی را عنوان میکنند که هیچ گونه رابطه‌ی با بینش و گنش ما ندارد. برخی از آنان نهضت آینده را «حزب کمونیست» می‌خوانند که در صدد احیای نظامی همانند نظام شوروی فروپاشیده، در افغانستان است. برخی از این منتقدان که دیروز خود از کادرهای ارشد و حتی اعضای کمیته مرکزی ح. د. خ. بودند و در آن هنگام سنگ مارکسیزم - لنینیزم را - آنهم بیشترین با درکی بسیار سطحی از آن - به سینه میکوبیدند و مفرشهای مخملین فرا راه مشاوران شوروی میگسترند، امروزه به خادمان دو آتشه آمریکا و غرب مبدل شده‌اند. کمایی کردن برخورد خصمانه آنان که به **مواضع ضد دنیای کار لغزیده اند**، جزیی از سرافرازیهای «نهضت آینده» است که تا دیر زمانی دیگر به آن خواهد بالید. **ما در برابر تبلیغات این عناصر، پاسخی جزء پراتیک پیگیر خود در دفاع از منافع مادی و معنوی انسان زحمتکش نداریم.**

و اما بخشی دیگر از رفقای وفادار به آرمانهای خلق افغانستان که با دلواپسی در پی نگهداشت مشعل برافروخته «آینده» به حیث احیاگر امیدهای رزمندگان افغانی اند، از **انحراف «چپ روانه» هراس دارند**. اینان از پریدنهای بی موقع و جستارهای نابخردانه جنبش چپ افغانی درسه‌های بایسته گرفته‌اند و اینک با هشیاری، نگران تکامل اندیشه‌ی و سیاسی نهضت آینده‌اند. اینک می‌خواهیم یکبار دیگر مواضع خود را روشن سازیم تا راهیان صدیق جنبش چپ افغانی از نگرانی بدر شوند و خود را با «نهضت آینده» همپیوند بیندارند.

از اساسگذاری انترناسیونال اول تا کنون عمدتاً سه خانواده «چپ» در جهان – به دنبال اروپا – شکل گرفته اند؛

الف) سوسیال دموکراسی؛ ب) سوسیال لیبرالیسم؛ ج) کمونیزم.

**الف و ب:** سوسیال دموکراسی (چپ دوم) و شاخه راست آن به نام چپ سوم (که در مانفیست تونی بلیر و گیرهارد شرودر آخرین شکل خود رانشان داد) از همان بدو انشعاب جنبش رادیکال کارگری از آن (جنبش کمونیستی) یک شعار را دنبال کرده است: **وارد آوردن اصلاحات نیمبند در نظام سرمایه داری (بدون اضمحلال آن) از طریق احراز قدرت سیاسی در چوکات قوانین دولت بورژوایی** - تاریخ بیش از صد و پنجاه سال از فعالیت سوسیال دموکراسی اروپا گواه بر این است که تا هنوز سیادت سرمایه داری پا برجاست و همان قانون کور «سود» همچنان انسان زحمتکش را در گرو «بازار» نگهداشته است. **دستاوردهای اجتماعی خلقهای اروپا به بهای مبارزات خونین و قربانیهای بی‌شمار زحمتکشان و کارگران به دست آمده اند، نی از پی اعمال قدرت سوسیال – دموکراتها در دولتهای بورژوایی!**

از آن جاکه ما در جامعه خود نی دولت بورژوایی داریم و نی نظام مسلط سرمایه داری، تعقیب راه ریفورمیزم سوسیال دموکراتیک هیچ گونه مفهوم سیاسی و تاریخی ندارد. اگر هم چنین شرایطی وجود میداشتند، بنیست تاریخی عملکرد سوسیال – دموکراسی در رابطه با منافع انسان زحمتکش راه ما را از آن جدا میساخت.

**بدین گونه، نهضت آینده افغانستان، به حیث یک سازمان، هیچ گونه پیوند ساختاری با این خانواده سیاسی ندارد.**

ج) کمونیزم (چپ اول) که با انترناسیونال سوم منسجم ترین مرحله تشکیل خود را تحت رهبری حزب کمونست (بلشویک) روسیه طی کرد، پس از جنگ دوم جهانی به گرایشهای گوناگون و ساختارهای منطقه‌ی انقسام یافت، به گونه نمونه؛

- شوروی گرای (سوویتیزم)

- خط چین (مائوئیزم)

- یورو کمونیزم (کمونیزم اروپایی تحت نفوذ احزاب کمونیست ایتالیا و اسپانیا)

- امریکای لاتین (تحت نفوذ سیمای درخشان چه گوارا)

- کمونیزم آمیخته با عدم انسلاک (تحت زعامت تیتو)

نهضت آینده به دلایل زیر به هیچ کدام از این گرایشها تعلق ندارد؛

**یک:** نبود پرولتاریا در افغانستان که بتواند محمل عینی و طبقاتی استقرار کمونیزم گردد! بدین اساس از نگاه ظرفیتهای عینی جامعه افغانی در مرحله کنونی، وجود یک سازمان کمونیست و پرولتری هیچ گونه زمینه عملکرد و اثرگذاری را بر روندهای سیاسی - اجتماعی به نمایندگی از پرولتاریا نخواهد داشت و تا دیر زمانی سازمانی معلق در تاریخ خواهد بود.

**دو:** از نگاه وظایف مطروحه در برابر رزمنده گان پراگنده چپ در شرایط امروز افغانستان.

در سرخط این وظایف تشکل اندیشه یی و سازمانی مبارزان دموکرات و متعهد به دفاع از منافع زحمتکشان افغانستان قرار دارد، نی ایجاد یک «گروه کمونیستی»!

بر بنیاد این دلایل، نهضت آینده افغانستان، از نگاه تاریخی نمیتواند وظایف یک سازمان کمونیستی را عهده دار باشد. ما که پا به پای واقعیتهای جامعه خود حرکت میکنیم، با صراحت اعلام میداریم که طرح ایجاد حزب کمونیست افغانستان یک طرح سوپزیکتویستی، نا به هنگام و فاقد چشم انداز عملکرد در شرایط کنونیست.

درسهای ناشی از فروپاشی نظام توتالیتار در اتحاد شوروی از یکسو و پیشرفت اندیشه یی جنبش کارگری اروپا از سوی دیگر، گونه یی نگرش نوآورانه را در صفوف رزمنده گان وابسته به منافع انسان زحمتکش متبلور ساخت که به حیث سرخط عمل انقلابی آگاهترین انسانهای کره خاکی عرض اندام کرده است. این نگرش جدید چپ بنیادی در مقابله با سیطره سرمایه جهانی و دفاع از زحمتکشان جهان روز تا روز نیرو و پهنا مییابد. محور اساسی این نگرش را رهایی انسان از تمام ناخویشتنی های اقتصادی، اجتماعی و معنوی - اندیشه یی تشیکل میدهد.

نهضت آینده افغانستان تلاش دارد تا به حیث یک سازمان مُدرن فراگیر چپ، دموکراتیک و دگرگونساز، این نحوه جدید نگرش را فارغ از هرگونه تعلق سازمانی به کمونیزم دیروزی، ولی وفادار به منافع انسان زحمتکش و با بهره گیری از تمام

**امکانهای پیشرفت امروزی بشر در عرصه شناخت، به ویژه در گستره های جامعه شناسی و تیوری نقاد سیاسی - اجتماعی، در میان مبارزان افغان اشاعه دهد و آنان را با سلاح جدید اندیشه یی به منظور مبارزه علیه انحرافات ناسیونالیستی، ملتگرایی، قشری گری و ایدئولوژی مسلط بورژوایی، به خاطر دگرسازی مناسبات اجتماعی - اقتصادی به سود انسان زحمتکش، مجهز سازد.**

هرگونه سهمگیری فکری و - یا - عملی در این راستا جای شایسته اش را در نهضت آینده خواهد داشت. بدین گونه فرصت آن رسیده است تا از مرزبندیهای دیروزین در **درون جنبش چپ فرا رفت** و یک نهضت نوین پیشرو را برای تحقق آرمانهای مردمان ستمدیده افغانستان ایجاد کرد. **برهان وجودی نهضت آینده افغانستان همین است!**

## **دارالانشای نهضت آینده افغانستان**

برگرفته از شماره ۹ نشریه آینده اکتوبر ۲۰۰۱

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)